

شایستگی و تغییر نظام

کسب درآمد از طریق آن شایستگی است. در این شیوه آموزشی، نتیجه و اثربخشی قابل مشاهده و مسئولیت‌پذیری هنرجو مورد تأکید است. هدف این روش از تربیت فرد، از قبولی در آزمون‌های کتبی فراتر می‌رود و وی را قادر می‌سازد که شایستگی‌های لازم را برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و خود کسب کند. در روش شایستگی‌محور، نقش‌های کلیدی هنرجو، به‌عنوان تجربه مهارتی، ارتباط‌دهنده، مشارکت‌کننده، مدیر و دانش‌پژوه مادام‌العمر که الگوی اخلاق نیز هست، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سال‌هاست که دیگر ارزیابی دانش به تنهایی ملاک سنجش توانایی‌های فرد نیست.

اکنون که «تغییر» جزء لاینفک زندگی بشر شده، توانایی تغییر سریع سیستم‌های شغلی و اثربخشی هرچه بیشتر آموزش‌ها و مهارت‌ها، برای ارائه بهینه‌تر خدمات فنی و مهارتی ضرورت یافته است. به نظر می‌رسد که «مدل آموزش مبتنی بر شایستگی»، بهترین مسیر آموزش برای رسیدن به مهارت و تغییر آن است. در قرن حاضر، توانایی فرد در تکمیل و تغییر مهارت و بالا بردن درجه آن تعیین‌کننده شایستگی اوست.

در آموزش مبتنی بر شایستگی، هدف شناسایی و پرورش توانایی‌های ذهنی، عاطفی و فیزیکی منحصر به فرد هنرجویان و کمک به آنان برای



تسلط بر موضوع از راه‌های متفاوت کسب و طی ارزشیابی تکوینی محرز می‌شود و فرد را به مرحله شایستگی کامل هدایت می‌کند. به علاوه، هنرجویان را قادر می‌سازد که در سطح جشنواره‌ها و مسابقات به رقابت با یکدیگر بپردازند و برای بازار کار آماده شوند. فضای کسب و کار آینده در ایران به زودی تغییر خواهد کرد و کسانی که آمادگی این تغییر را داشته باشند و یا عاملین به تغییر باشند، بیشترین سود را کسب خواهند کرد. رویکرد مقالات و گزارش‌های این شماره کمک به کسب شایستگی در فرایند آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش است.*

* پی‌نوشت

* برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به ویژه‌نامه پاییز ۹۶ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش.

مفهوم شایستگی تأکید بسیاری بر میزان توانایی فرد در به‌کارگیری دانش آموخته شده برای انجام کار در عمل در سطح استانداردهای مورد درخواست کارفرمایان و محیط کار دارد. بنابراین، در این مفهوم سه مقوله «توانایی به‌کارگیری دانش و مهارت در عمل»، «سطح استاندارد و قابل قبول برای این توانایی» و «مطابق بودن آن با نیاز محیط کار و کارفرمایان» مورد تأکید قرار گرفته است. لذا عملکرد هنرجو به‌صورت نظام‌مند مورد قضاوت قرار می‌گیرد و با استاندارد مورد انتظار مقایسه می‌شود. در این مرحله «تسلط» فرد نقش کلیدی پیدا می‌کند و دانستن موضوع و حتی درک و فهم آن کفایت نمی‌کند.